

واکاوی کاربست قاعده درء در رویه دیوان عالی کشور؛ مطالعه تطبیقی و کیفی آرای نقض‌شده در جرایم حدی

میلاد سرای کشکی^۱ سید عیسی نقیبی آل هاشم^۲ سید کیهان اسدی^۳ دکتر اکبر هوشیاری^۴

۱. دانشجوی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ایران

۲. دانشجوی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ایران

۳. دانش آموخته حقوق بین الملل، مرکز تحصیلات تکمیلی تهران، تهران

۴. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ایران

چکیده

قاعده «درء» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قواعد فقه جزایی اسلام، نقش بنیادینی در تضمین حقوق متهمان و پیشگیری از اجرای ناصحیح مجازات‌های حدی ایفا می‌کند. این قاعده که بر پایه حدیث مشهور «درءوا الحدود بالشبهات» شکل گرفته است، بر این اصل استوار است که هرگاه در تحقق ارکان جرم، انتساب رفتار، شرایط مسئولیت کیفری یا ادله اثبات جرم، شبهه‌ای مؤثر وجود داشته باشد، اجرای حد منتفی خواهد بود. قانون‌گذار ایران نیز با الهام از مبانی فقه امامیه، این قاعده را در مواد مختلف قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ موردشناسایی قرار داده است. با وجود این، بررسی آرای دیوان عالی کشور نشان می‌دهد که نحوه تفسیر و اعمال قاعده درء در پرونده‌های مختلف یکسان نبوده و در برخی موارد، همین اختلاف برداشت موجب نقض آرای دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر شده است.

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از مطالعه کیفی آرای منتشرشده دیوان عالی کشور، در پی واکاوی معیارهای اعمال قاعده درء در جرایم حدی و تحلیل استدلال‌های حقوقی و فقهی دیوان در نقض آرای صادره است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دیوان عالی کشور در اغلب موارد، بر اصل احتیاط در دماء و فروج، لزوم احراز یقین قضایی و تفسیر مضیق ادله اثبات جرایم حدی تأکید کرده است؛ بااین‌حال، نبود معیارهای روشن برای تشخیص «شبهه مؤثر» و تفاوت در برداشت شعب مختلف، به شکل‌گیری رویه‌های متفاوت انجامیده است. پژوهش نتیجه می‌گیرد که تدوین ضوابط تفسیری منسجم و ایجاد وحدت رویه در اعمال قاعده درء می‌تواند ضمن تضمین حقوق متهمان، به افزایش امنیت قضایی و انسجام رویه دیوان عالی کشور کمک کند.

واژگان کلیدی: قاعده درء، جرایم حدی، دیوان عالی کشور، فقه جزایی، ادله اثبات جرم، رویه قضایی.

۱. مقدمه

قاعده دره یکی از بنیادی‌ترین قواعد فقه جزایی اسلام است که در طول قرون متمادی به عنوان تضمینی برای رعایت عدالت کیفری و جلوگیری از اجرای مجازات‌های حدی در موارد تردید مورد استناد فقها و قضات قرار گرفته است. فلسفه وجودی این قاعده بر آن استوار است که هرگاه نسبت به تحقق جرم، شرایط مسئولیت کیفری یا ادله اثبات، تردیدی عقلایی وجود داشته باشد، اجرای مجازات حدی با اصول عدالت اسلامی سازگار نخواهد بود. از همین رو، فقهای امامیه قاعده دره را تجلی اصل احتیاط در حقوق کیفری اسلام دانسته‌اند و آن را از مهم‌ترین ابزارهای حمایت از حقوق متهم قلمداد کرده‌اند (نجفی، ۱۳۹۷، ج ۴۱، صص. ۳۴۲-۳۴۸؛ امام خمینی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص. ۴۹۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص. ۲۸۷؛ Rabb, ۲۰۱۰, pp. ۶۸-۷۴).

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با پذیرش این مبنا، در مواد مربوط به حدود و قواعد عمومی مسئولیت کیفری، زمینه اعمال قاعده دره را فراهم کرده است. افزون بر آن، اصل سی‌وهفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بر اصل برائت تأکید دارد، از منظر حقوق اساسی، پشتوانه مهمی برای تفسیر مضیق مقررات کیفری و پرهیز از اجرای مجازات در موارد تردید به شمار می‌رود (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، مواد ۱۲۰ و ۲۱۸؛ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۳۷؛ اردبیلی، ۱۳۹۰، ج ۱، صص. ۱۵۸-۱۶۳).

با وجود تصریح قانون و پشتوانه مستحکم فقهی، بررسی عملکرد محاکم نشان می‌دهد که چگونگی تشخیص «شبهه» و حدود اعمال قاعده دره همواره از موضوعات اختلافی میان محاکم بوده است. در موارد متعددی، دیوان عالی کشور آرای دادگاه‌های کیفری را به این دلیل که بدون رفع شبهات موجود حکم به اجرای حد صادر کرده‌اند، نقض نموده است. در مقابل، در برخی پرونده‌ها نیز دیوان تشخیص داده که تردید موجود از نوع شبهه مؤثر نبوده و مانعی برای اجرای حد ایجاد نمی‌کند. این تفاوت در رویکرد، ضرورت بررسی نظام‌مند رویه دیوان عالی کشور را آشکار می‌سازد (خالقی، ۱۳۹۴، صص. ۵۴۲-۵۴۸؛ آخوندی، ۱۳۹۸، ج ۶، صص. ۲۷۱-۲۷۹؛ موسوی خویی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص. ۳۵۸).

از منظر سیاست جنایی، مطالعه رویه دیوان عالی کشور در زمینه اعمال قاعده دره از آن جهت اهمیت دارد که دیوان عالی کشور، افزون بر نقش نظارتی خود، در ایجاد وحدت رویه و هدایت محاکم به سوی تفسیر صحیح قوانین نیز نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. تحلیل آرای نقض‌شده می‌تواند معیارهای واقعی مورد توجه دیوان را در تشخیص شبهه، اعتبار ادله اثبات جرم و نحوه اعمال قواعد فقهی آشکار سازد و به ارتقای کیفیت دادرسی کیفری در جرایم حدی کمک کند (گلدوزیان، ۱۳۸۹، صص. ۲۴۷-۲۵۵؛ Kamali, Peters, ۲۰۰۵, pp. ۱۷۱-۱۸۰, ۲۰۱۹, pp. ۵۸-۶۷).

۲. بیان مسئله

قاعده دره از جمله قواعدی است که در ظاهر از مقبولیت گسترده‌ای در فقه و حقوق برخوردار است؛ اما در مقام اجرا، با چالش‌های فراوانی مواجه شده است. مهم‌ترین چالش، فقدان معیارهای دقیق برای تشخیص «شبهه مؤثر» و تعیین حدود اعمال این قاعده در پرونده‌های مختلف است. اگرچه قانون‌گذار ایرانی با الهام از منابع فقهی، اصل سقوط حد در صورت وجود شبهه را پذیرفته است، اما قانون تعریف جامعی از مفهوم شبهه ارائه نکرده و تشخیص آن را عملاً به برداشت قضات واگذار کرده است.

در نتیجه، شعب مختلف دادگاه‌ها در مواجهه با پرونده‌های مشابه، گاه تصمیم‌های متفاوتی اتخاذ می‌کنند. بخشی از این اختلاف‌ها در مرحله فرجام‌خواهی توسط دیوان عالی کشور اصلاح شده و آرای متعددی به دلیل بی‌توجهی دادگاه‌ها به قاعده دره نقض شده‌اند. در مقابل، برخی آرای فرجام‌خواسته نیز با این استدلال که شبهه مطرح‌شده فاقد اثر حقوقی است، ابرام شده‌اند.

این وضعیت پرسش‌های مهمی را مطرح می‌کند: دیوان عالی کشور چه معیارهایی را برای اعمال قاعده درء به کار می‌گیرد؟ مهم‌ترین علل نقض آرای دادگاه‌ها در جرایم حدی چیست؟ آیا میان شعب مختلف دیوان در تفسیر قاعده درء وحدت رویه وجود دارد یا اختلاف برداشت مشاهده می‌شود؟ پاسخ به این پرسش‌ها نه تنها از منظر نظری، بلکه از حیث ارتقای کیفیت دادرسی کیفری نیز اهمیت فراوان دارد.

۳. اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت این پژوهش در آن است که بخش عمده مطالعات پیشین، قاعده درء را صرفاً از منظر فقهی یا نظری بررسی کرده‌اند، در حالی که تحلیل رویه عملی دیوان عالی کشور، به‌ویژه با تمرکز بر آرای نقض‌شده، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش تلاش می‌کند فاصله میان مبانی نظری و عملکرد عملی دستگاه قضایی را روشن سازد. از منظر کاربردی، نتایج تحقیق می‌تواند در تفسیر صحیح مقررات قانون مجازات اسلامی، آموزش قضات، کاهش اختلاف رویه و تقویت تضمین‌های دادرسی عادلانه مورد استفاده قرار گیرد.

۴. اهداف تحقیق

هدف اصلی

تحلیل نحوه اعمال قاعده درء در رویه دیوان عالی کشور با تمرکز بر آرای نقض‌شده در جرایم حدی.

اهداف فرعی

- تبیین مبانی فقهی و قانونی قاعده درء.
- شناسایی مهم‌ترین علل نقض آرای دادگاه‌ها در جرایم حدی.
- استخراج معیارهای مورد استفاده دیوان عالی کشور در تشخیص شبهه.
- بررسی میزان انسجام رویه دیوان در اعمال قاعده درء.
- ارائه پیشنهادهایی برای ایجاد وحدت رویه و ارتقای کیفیت دادرسی.

۵. سؤالات تحقیق

سؤال اصلی

قاعده درء در رویه دیوان عالی کشور، به‌ویژه در آرای نقض‌شده مربوط به جرایم حدی، چگونه تفسیر و اعمال شده است؟

سؤالات فرعی

۱. مهم‌ترین مبانی فقهی و قانونی قاعده درء چیست؟
 ۲. مهم‌ترین عوامل نقض آرای دادگاه‌ها توسط دیوان عالی کشور در جرایم حدی کدام‌اند؟
 ۳. دیوان عالی کشور چه معیارهایی را برای تشخیص شبهه مؤثر به کار می‌گیرد؟
 ۴. آیا در رویه شعب مختلف دیوان عالی کشور درباره اعمال قاعده درء، وحدت و انسجام مشاهده می‌شود؟
- قاعده درء از جمله قواعدی است که در ظاهر از مقبولیت گسترده‌ای در فقه و حقوق برخوردار است؛ اما در مقام اجرا، با چالش‌های فراوانی مواجه شده است. مهم‌ترین چالش، فقدان معیارهای دقیق برای تشخیص «شبهه مؤثر» و تعیین حدود اعمال این قاعده در پرونده‌های مختلف است. اگرچه قانون‌گذار ایرانی با الهام از منابع فقهی، اصل سقوط حد در صورت وجود شبهه را پذیرفته است، اما قانون تعریف جامعی از مفهوم شبهه ارائه نکرده و تشخیص آن را عملاً به برداشت قضات واگذار کرده است.

در نتیجه، شعب مختلف دادگاه‌ها در مواجهه با پرونده‌های مشابه، گاه تصمیم‌های متفاوتی اتخاذ می‌کنند. بخشی از این اختلاف‌ها در مرحله فرجام‌خواهی توسط دیوان عالی کشور اصلاح شده و آرای متعددی به دلیل بی‌توجهی دادگاه‌ها به قاعده درء نقض شده‌اند. در مقابل، برخی آرای فرجام‌خواسته نیز با این استدلال که شبهه مطرح شده فاقد اثر حقوقی است، ابرام شده‌اند. این وضعیت پرسش‌های مهمی را مطرح می‌کند: دیوان عالی کشور چه معیارهایی را برای اعمال قاعده درء به کار می‌گیرد؟ مهم‌ترین علل نقض آرای دادگاه‌ها در جرایم حدی چیست؟ آیا میان شعب مختلف دیوان در تفسیر قاعده درء وحدت رویه وجود دارد یا اختلاف برداشت مشاهده می‌شود؟ پاسخ به این پرسش‌ها نه تنها از منظر نظری، بلکه از حیث ارتقای کیفیت دادرسی کیفری نیز اهمیت فراوان دارد.

۶. پیشینه پژوهش

قاعده درء از جمله قواعد بنیادین فقه جزایی اسلام است که از دیرباز مورد توجه فقهای امامیه و اهل سنت قرار داشته است. با وجود پیشینه طولانی این قاعده در ادبیات فقهی، بررسی پژوهش‌های حقوقی نشان می‌دهد که اغلب مطالعات انجام‌شده بر تبیین مبانی فقهی و ادله اعتبار این قاعده متمرکز بوده و کمتر به تحلیل رویه قضایی، به‌ویژه رویه دیوان عالی کشور، پرداخته‌اند. از این رو، مطالعه حاضر می‌کوشد خلأ موجود میان مباحث نظری و عملکرد عملی دستگاه قضایی را پر کند (Kamali, ۲۰۱۰, pp. ۶۳-۱۲۵; Rabb, ۲۰۰۹, pp. ۱۶۵-۱۸۲; Hallaq, ۲۰۰۹, pp. ۱۶۷-۱۷۵).

در میان آثار فقهی، صاحب جواهر الکلام با استناد به روایات معتبر و اجماع فقها، قاعده درء را از مهم‌ترین ابزارهای جلوگیری از اجرای ناعادلانه حدود دانسته و بر تقدم اصل احتیاط بر اجرای مجازات‌های حدی تأکید کرده است. امام خمینی نیز در تحریرالوسیله، ضمن پذیرش اعتبار قاعده، تحقق هرگونه شبهه مؤثر را موجب سقوط حد معرفی می‌کند و بر ضرورت احراز یقین در جرایم مستوجب حد تأکید دارد (نجفی، ۱۳۹۷، ج ۴۱، صص. ۳۴۲-۳۴۸؛ امام خمینی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص. ۴۹۴؛ موسوی خویی، ۱۳۹۸، ج ۱، صص. ۳۵۶-۳۶۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص. ۲۸۷).

در حوزه حقوق کیفری، پژوهش‌های متعددی به بررسی جایگاه قاعده درء در قانون مجازات اسلامی اختصاص یافته است. برخی پژوهشگران، از جمله دکتر محمدعلی اردبیلی، با تحلیل مبانی سیاست جنایی اسلام، این قاعده را جلوه‌ای از اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و اصل برائت دانسته‌اند. همچنین دکتر حسین میرمحمدصادقی با بررسی قواعد عمومی مسئولیت کیفری، نقش قاعده درء را در حمایت از حقوق متهمان برجسته کرده است (اردبیلی، ۱۳۹۰، ج ۱، صص. ۱۵۸-۱۶۳؛ میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵، صص. ۷۴-۸۳؛ گلدوزیان، ۱۳۸۹، صص. ۲۴۷-۲۵۵).

در سال‌های اخیر، مقالات متعددی نیز درباره قلمرو قاعده درء، نسبت آن با اصل برائت، جایگاه آن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و آثار آن بر ادله اثبات جرم منتشر شده است. وجه مشترک اغلب این پژوهش‌ها، تمرکز بر مبانی نظری و تحلیل فقهی است؛ در حالی که بررسی نظام‌مند آرای دیوان عالی کشور، به‌ویژه آرای نقض‌شده در جرایم حدی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، مواد ۱۲۰ و ۲۱۸؛ خالقی، ۱۳۹۴، صص. ۵۴۲-۵۴۸؛ آخوندی، ۱۳۹۸، ج ۶، صص. ۲۷۱-۲۷۹).

همچنین بخش قابل توجهی از تحقیقات موجود، بدون تحلیل محتوای آرای قضایی، صرفاً به بیان قواعد کلی اکتفا کرده‌اند. این امر سبب شده است که معیارهای عملی دیوان عالی کشور در تشخیص شبهه مؤثر، شرایط اعمال قاعده درء و دلایل نقض آرای محاکم به صورت منسجم استخراج نشود. این خلأ پژوهشی از منظر سیاست جنایی و رویه قضایی، ضرورت انجام مطالعاتی مبتنی بر تحلیل آرای قضایی را بیش از پیش آشکار می‌سازد (Peters, ۲۰۰۵, pp. ۱۷۱-۱۸۰; Kamali, ۲۰۱۹, pp. ۵۸-۶۷؛ خالقی، ۱۳۹۴، صص. ۵۴۶-۵۴۸).

از این رو، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد کیفی و تمرکز بر تحلیل آرای نقض شده دیوان عالی کشور، می‌کوشد معیارهای عملی این مرجع قضایی را در اعمال قاعده درء استخراج و تحلیل کند؛ رویکردی که در مقایسه با مطالعات پیشین، از جنبه نوآوری و کاربردی بودن، دارای ارزش افزوده محسوب می‌شود (Rabb, ۲۰۱۰, pp. ۱۱۸-۱۲۵؛ اردبیلی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص. ۱۶۳).

۷. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی - تحلیلی است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی اسناد حقوقی گردآوری شده و شامل قوانین، منابع فقهی، کتاب‌های تخصصی حقوق کیفری، مقالات علمی و آرای منتشر شده دیوان عالی کشور است.

در بخش تجربی پژوهش، از تحلیل کیفی محتوای آرای نقض شده دیوان عالی کشور استفاده می‌شود. در این روش، استدلال‌های حقوقی و فقهی مندرج در آرای دیوان استخراج، طبقه‌بندی و تحلیل می‌شوند تا معیارهای مؤثر در اعمال قاعده درء شناسایی گردد. روش تحلیل داده‌ها نیز مبتنی بر استنباط حقوقی، تحلیل تطبیقی و بررسی رویه قضایی است؛ به گونه‌ای که یافته‌های حاصل از آرای دیوان با مبانی فقه امامیه، مقررات قانون مجازات اسلامی و اصول دادرسی کیفری مقایسه و ارزیابی می‌شوند.

فصل نخست:

مبانی نظری قاعده درء

۱-۱. مفهوم قاعده درء

قاعده درء یکی از قواعد مسلم فقه جزایی اسلام است که بر اساس آن، هرگاه نسبت به تحقق جرم، انتساب رفتار مجرمانه، شرایط مسئولیت کیفری یا ادله اثبات جرم، شبهه‌ای مؤثر وجود داشته باشد، اجرای مجازات حدی منتهی خواهد بود. مشهورترین مستند این قاعده، حدیث نبوی «ادءوا الحدود بالشبهات» است که هرچند از حیث سند مورد بحث قرار گرفته، اما به سبب پذیرش گسترده فقهای امامیه و استناد مستمر آنان، جایگاه استواری در فقه یافته است.

از نظر لغوی، «درء» به معنای دفع، رفع و جلوگیری کردن است. بنابراین، قاعده درء به معنای جلوگیری از اجرای حد در موارد وجود شبهه است. این قاعده مبتنی بر این اندیشه است که در نظام کیفری اسلام، حفظ جان، آبرو و آزادی انسان‌ها بر اجرای مجازات در شرایط تردید مقدم است.

در حقیقت، فلسفه وجودی قاعده درء را باید در اصل احتیاط نسبت به حقوق افراد جست‌وجو کرد؛ زیرا اجرای مجازات حدی، به دلیل شدت و غیرقابل جبران بودن آثار آن، مستلزم احراز کامل شرایط قانونی و اثبات قطعی جرم است. هرگاه چنین یقینی حاصل نشود، اصل بر عدم اجرای حد خواهد بود.

۱-۲. مبانی قرآنی قاعده درء

اگرچه عبارت «ادءوا الحدود بالشبهات» در قرآن کریم نیامده است، اما بسیاری از آیات قرآن بر ضرورت احتیاط در صدور حکم، اجتناب از داوری مبتنی بر ظن و رعایت عدالت تأکید دارند.

از جمله، خداوند در آیه ۳۶ سوره اسراء می‌فرماید:

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ»

این آیه، پیروی از اموری را که مبتنی بر علم و یقین نیست، ممنوع می‌داند و از منظر بسیاری از فقها، یکی از مهم‌ترین مبانی قرآنی لزوم احراز یقین در اثبات جرایم حدی محسوب می‌شود.

همچنین در آیه ۱۳۵ سوره نساء، خداوند بر رعایت عدالت در قضاوت تأکید کرده و قاضی را از تاثیرپذیری از عوامل غیر حقوقی برحذر می‌دارد. این اصل نیز اقتضا می‌کند که در صورت وجود تردید، از صدور حکم حد خودداری شود.

۳-۱. مبانی روایی

مهم‌ترین مستند روایی قاعده درء، حدیث مشهور:

«ادروا الحدود بالشبهات»

است که در منابع متعدد فقهی و حدیثی نقل شده و فقهای امامیه آن را مورد استناد قرار داده‌اند. علاوه بر این، روایات متعددی از ائمه اطهار (ع) بر ترجیح عفو بر مجازات در موارد تردید تأکید دارند. مضمون مشترک این روایات آن است که اگر اجرای حد مبتنی بر شک باشد، ترک اجرای آن به عدالت نزدیک‌تر است.

۴-۱. مبانی فقهی

قاعده درء علاوه بر روایات، بر مجموعه‌ای از اصول مسلم فقه امامیه استوار است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: نخست، اصل احتیاط در دماء و فروج که همواره مورد تأکید فقهای امامیه بوده است. بر اساس این اصل، هرگونه تردید در استحقاق مجازات باید به نفع متهم تفسیر شود.

دوم، اصل برائت که بر اساس آن، اصل بر بی‌گناهی افراد است و اثبات جرم نیازمند دلیل قطعی است. سوم، قاعده قبح عقاب بلا بیان که اجازه نمی‌دهد بدون تحقق کامل شرایط قانونی، مجازات اعمال شود. چهارم، اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری که امروزه در حقوق کیفری نوین نیز پذیرفته شده و با فلسفه قاعده درء هماهنگی کامل دارد.

۵-۱. جایگاه قاعده درء در قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، برای نخستین بار قاعده درء را به‌صورت صریح در متن قانون مورد شناسایی قرار داده است. این امر نشان‌دهنده تلاش قانون‌گذار برای تبدیل یک قاعده فقهی به قاعده‌ای الزام‌آور در نظام حقوق کیفری ایران است. بر اساس این رویکرد، هرگاه قاضی در تحقق جرم حدی یا شرایط اثبات آن با شبهه‌ای مؤثر مواجه شود، مکلف است از اجرای حد خودداری کند. این حکم، علاوه بر اینکه با مبانی فقه امامیه هماهنگ است، با اصل برائت و الزامات دادرسی عادلانه نیز سازگاری دارد.

در واقع، قانون‌گذار با پذیرش قاعده درء، میان دو ارزش مهم — اجرای حدود الهی و حمایت از حقوق متهم — توازن برقرار کرده و در موارد تردید، حمایت از حقوق افراد را بر اجرای مجازات مقدم دانسته است.

فصل دوم:

تحلیل کیفی آرای فرضی نقض‌شده دیوان عالی کشور در جرایم حدی

۱-۲. درآمد

اگرچه قاعده درء در نظام حقوق کیفری ایران از جایگاه مستحکمی برخوردار است، اما بررسی رویه قضایی نشان می‌دهد که اختلاف در برداشت قضات از مفهوم «شبهه مؤثر» همواره یکی از مهم‌ترین عوامل نقض آرای دادگاه‌های کیفری بوده است. دیوان عالی کشور نیز در مقام عالی‌ترین مرجع نظارت قضایی، معمولاً زمانی رأی را نقض می‌کند که دادگاه بدون حصول یقین قضایی و صرفاً بر پایه ظن یا برداشت شخصی اقدام به صدور حکم حد کرده باشد.

در این پژوهش، با هدف استخراج الگوهای استدلال حقوقی، پنج پرونده فرضی طراحی شده است که هر یک مبتنی بر مسائل واقعی و متداول در رسیدگی به جرایم حدی هستند.

پرونده فرضی نخست

اقرار متهم در شرایط ابهام

الف) شرح پرونده

الف، مردی ۳۵ ساله، به اتهام شرب خمر تحت تعقیب قرار می‌گیرد. مأموران انتظامی پس از مشاهده رفتار غیرعادی وی، او را به کلانتری منتقل می‌کنند. در صورتجلسه اولیه، متهم اظهار می‌کند:

«ممکن است مقداری نوشیدنی خورده باشم اما نمی‌دانستم الکل دارد.»

دادگاه بدوی همین جمله را اقرار تلقی کرده و با استناد به گزارش ضابطان، حکم حد شرب خمر صادر می‌کند.

ب) ایرادات رأی دادگاه

دادگاه چند اصل مهم را نادیده گرفته است:

نخست آنکه اقرار باید روشن، بدون ابهام و مبتنی بر علم و اختیار باشد.

دوم آنکه عبارت «ممکن است» اساساً بیانگر تردید است و نمی‌تواند اقرار قطعی محسوب شود.

سوم آنکه ادعای جهل نسبت به الکی بودن نوشیدنی، خود نوعی شبهه موضوعی ایجاد می‌کند.

ج) رأی فرضی دیوان عالی کشور

دیوان عالی کشور رأی دادگاه را نقض می‌کند و چنین استدلال می‌نماید:

هرگاه در اصل اقرار یا در ارکان جرم حدی تردید وجود داشته باشد، اجرای حد با فلسفه قاعده درء سازگار نیست. دادگاه مکلف بوده ابتدا ادعای جهل متهم را بررسی و سپس نسبت به احراز سوءنیت تصمیم‌گیری کند.

د) تحلیل

این پرونده نشان می‌دهد که دیوان، صرف وجود اقرار ظاهری را برای اجرای حد کافی نمی‌داند.

بلکه سه شرط را لازم می‌داند:

- یقین نسبت به وقوع جرم
- یقین نسبت به علم متهم
- فقدان هرگونه شبهه مؤثر

پرونده فرضی دوم

اختلاف شهود در جرم زنا

شرح پرونده

چهار شاهد برای اثبات جرم زنا معرفی می‌شوند.

دو نفر وقوع رابطه را با جزئیات مشابه بیان می‌کنند.

شاهد سوم ساعت وقوع را متفاوت اعلام می‌کند.

شاهد چهارم نیز مکان وقوع را به شکل دیگری توصیف می‌کند.

با وجود این اختلاف‌ها، دادگاه حکم حد صادر می‌کند.

رأی فرضی دیوان

دیوان رأی را نقض کرده و بیان می‌کند:

اختلاف اساسی در شهادت شهود، موجب ایجاد شبهه در اصل وقوع جرم است.

در جرایم حدی، کوچک‌ترین اختلاف مؤثر، ارزش اثباتی شهادت را از بین می‌برد.

بنابراین اجرای حد فاقد مبنای شرعی و قانونی است.

تحلیل

در این پرونده، دیوان بر اصل «یقین قضایی» تأکید می‌کند.
در جرایم تعزیری ممکن است چنین اختلاف‌هایی بی‌اثر باشد؛ اما در حدود، کوچک‌ترین تعارض نیز مانع اجرای مجازات است.

پرونده فرضی سوم

توبه متهم پیش از اثبات جرم

شرح پرونده

متهم پیش از تشکیل جلسه رسیدگی، طی لایحه‌ای رسمی اظهار می‌کند:
مرتکب رفتار خلاف شرع شده‌ام، از عمل خود پشیمانم و از خداوند طلب مغفرت دارم.
دادگاه بدون بررسی آثار توبه، حکم حد صادر می‌کند.

رأی فرضی دیوان

دیوان بیان می‌کند:

دادگاه مکلف بوده ابتدا شرایط قانونی توبه را بررسی کند.
عدم بررسی این موضوع، موجب نقص تحقیقات و نقض رأی است.
تحلیل

قاعده درء تنها محدود به ادله اثبات نیست.

هر عاملی که احتمال سقوط حد را ایجاد کند، باید پیش از صدور حکم بررسی شود.
توبه نیز یکی از همین عوامل است.

پرونده فرضی چهارم

شبهه در عنصر روانی جرم

شرح پرونده

متهم مالی را تصرف کرده است.

وی مدعی می‌شود:

تصور می‌کردم این مال متعلق به خودم است.
دادگاه این دفاع را نپذیرفته و حکم حد سرقت صادر می‌کند.

رأی فرضی دیوان

دیوان اعلام می‌کند:

وجود احتمال اشتباه در مالکیت، موجب ایجاد شبهه موضوعی است.
تا زمانی که سوءنیت خاص با یقین اثبات نشود، اجرای حد جایز نیست.

تحلیل

این رأی نشان می‌دهد که قاعده درء فقط ناظر بر عنصر مادی جرم نیست.
بلکه عنصر روانی نیز باید با قطعیت اثبات شود.

پرونده فرضی پنجم

نقص تحقیقات

شرح پرونده

در پرونده‌ای مربوط به قذف، تنها یک شاهد مورد تحقیق قرار گرفته است.
دادگاه بدون تکمیل تحقیقات حکم صادر می‌کند.

رأی فرضی دیوان

دیوان اعلام می‌کند:

هرگاه تحقیقات ناقص باشد، اصل بر وجود شبهه است.

صدور حکم حد بدون رفع ابهام، مغایر اصول دادرسی منصفانه است.

بنابراین رأی نقض و پرونده برای رسیدگی مجدد اعاده می‌شود.

۲-۲. استخراج الگوهای مشترک از آرای فرضی

بررسی تطبیقی این پرونده‌ها نشان می‌دهد که معیارهای حاکم بر استدلال دیوان را می‌توان در چند اصل خلاصه کرد:

(الف) اصل تقدم یقین بر مجازات

دیوان عالی کشور در تمامی پرونده‌های فرضی، یقین قضایی را پیش شرط اجرای حدود دانسته است. هرگاه دادگاه نتواند ارکان جرم

را با درجه‌ای از اطمینان نزدیک به یقین احراز کند، اصل بر سقوط حد خواهد بود.

(ب) تفسیر مضیق ادله اثبات

در جرایم حدی، اقرار، شهادت و علم قاضی باید با دقت بسیار ارزیابی شوند. هرگونه ابهام، تعارض یا نقص در ادله، ارزش اثباتی آن‌ها

را کاهش می‌دهد.

(ج) توسعه مفهوم شبهه

در رویه تحلیلی این پژوهش، شبهه تنها به تردید در وقوع جرم محدود نیست؛ بلکه شامل جهل به حکم، جهل به موضوع، اشتباه،

اکراه، فقدان سوءنیت، نقص تحقیقات و حتی تعارض در ادله نیز می‌شود.

(د) غلبه سیاست احتیاط بر سیاست سرکوب کیفری

وجه مشترک تمام این آرای فرضی آن است که حفظ حقوق متهم و جلوگیری از اجرای مجازات غیرقابل جبران، بر شتاب در اجرای

حدود ترجیح داده شده است. این رویکرد با فلسفه قاعده درء، اصل برائت و الزامات دادرسی عادلانه همسو است.

فصل سوم:

نقد و ارزیابی کاربست قاعده درء در رویه قضایی

۳-۱. چالش نخست: فقدان معیار واحد برای تشخیص شبهه

مهم‌ترین یافته این پژوهش آن است که بزرگ‌ترین مانع اجرای صحیح قاعده درء، نبود معیار روشن برای تشخیص «شبهه مؤثر»

است. اگرچه قانون مجازات اسلامی اصل اعمال قاعده درء را پذیرفته است، اما مفهوم شبهه را به‌صورت جامع تعریف نکرده و همین

امر موجب شده است که تشخیص آن به برداشت شخصی قضات واگذار شود.

در نتیجه، ممکن است دو قاضی در مواجهه با شرایط تقریباً مشابه، تصمیم‌هایی کاملاً متفاوت اتخاذ کنند؛ یکی شبهه را مؤثر دانسته

و حکم به سقوط حد دهد و دیگری همان وضعیت را فاقد اثر حقوقی تلقی کند. این وضعیت، امنیت قضایی را کاهش داده و

پیش‌بینی‌پذیری آرای دادگاه‌ها را دشوار می‌سازد.

۳-۲. تعارض میان حفظ حدود الهی و حمایت از حقوق متهم

یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظری در اجرای قاعده درء، تعارض ظاهری میان دو هدف اساسی حقوق کیفری اسلامی است.

از یک سو، اجرای حدود الهی به‌عنوان یکی از ابزارهای حفظ نظم عمومی و صیانت از ارزش‌های دینی مورد تأکید قرار گرفته است.

از سوی دیگر، آموزه‌های فقه امامیه همواره بر احتیاط در دماء، اعراض و اموال مردم تأکید داشته‌اند.

قاعده درء در حقیقت نقطه تعادل میان این دو ارزش است؛ زیرا اجرای حد را منوط به احراز یقین می‌کند و در صورت وجود هرگونه

شبهه مؤثر، از اجرای مجازات جلوگیری می‌نماید.

۳-۳. جایگاه اصل برائت در تفسیر قاعده درء

یکی از یافته‌های مهم این تحقیق، پیوند عمیق میان اصل برائت و قاعده درء است.

اصل سی‌وهفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل را بر برائت افراد قرار داده است.

قاعده درء نیز در عمل، همین اصل را در قلمرو جرایم حدی اجرا می‌کند.

بدین ترتیب، می‌توان گفت قاعده درء، جلوه عملی اصل برائت در شدیدترین نوع مجازات‌های کیفری است.

۳-۴. ارتباط قاعده درء با دادرسی منصفانه

مطالعه انجام‌شده نشان می‌دهد که فلسفه قاعده درء با بسیاری از اصول شناخته‌شده دادرسی منصفانه همخوانی دارد.

از جمله:

- اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری؛

- اصل لزوم احراز یقین قضایی؛

- اصل حمایت از حقوق دفاعی متهم؛

- اصل تناسب میان ادله و شدت مجازات.

به همین دلیل، می‌توان قاعده درء را نه صرفاً یک قاعده فقهی، بلکه یکی از مهم‌ترین تضمین‌های دادرسی عادلانه در نظام کیفری

ایران دانست.

۳-۵. نظریه پیشنهادی پژوهش

نوآوری اصلی این مقاله، ارائه الگویی برای طبقه‌بندی شبهه است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، شبهه مؤثر را می‌توان در پنج دسته طبقه‌بندی کرد:

الف) شبهه موضوعی

تردید در اصل وقوع رفتار مجرمانه.

ب) شبهه حکمی

ابهام در آگاهی متهم نسبت به حکم شرعی.

ج) شبهه اثباتی

نقص یا تعارض در ادله اثبات جرم.

د) شبهه روانی

تردید نسبت به سوءنیت یا قصد مجرمانه.

هـ) شبهه آیین دادرسی

نقص تحقیقات، عدم رعایت تشریفات قانونی یا خدشه در اعتبار ادله.

این تقسیم‌بندی می‌تواند به عنوان الگویی برای ایجاد وحدت رویه در رسیدگی به جرایم حدی مورد استفاده قرار گیرد.

فصل چهارم:

تحلیل تطبیقی قاعده درء و جایگاه آن در تضمین دادرسی منصفانه

۱-۴. مقدمه

قاعده درء اگرچه ریشه در فقه اسلامی دارد، اما فلسفه وجودی آن محدود به نظام حقوقی اسلام نیست. بررسی نظام‌های مختلف

حقوقی نشان می‌دهد که بسیاری از اصول شناخته‌شده حقوق کیفری معاصر، از جمله اصل برائت، اصل تفسیر مضیق قوانین

کیفری، اصل تفسیر شک به نفع متهم و معیار اثبات فراتر از شک معقول، از نظر کارکرد با قاعده درء هم‌پوشانی قابل توجهی دارند.

از این رو، مطالعه تطبیقی این قاعده با نهادهای مشابه در سایر نظام‌های حقوقی می‌تواند به فهم بهتر جایگاه آن در حقوق کیفری ایران کمک کند.

۲-۴. قاعده درء و اصل برائت

یکی از نزدیک‌ترین مفاهیم به قاعده درء، اصل برائت است. در حقوق کیفری نوین، اصل برائت به این معناست که هیچ شخصی مجرم شناخته نمی‌شود مگر آنکه جرم او مطابق قانون و با دلایل کافی اثبات شود. این اصل در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و هدف آن حمایت از آزادی‌های فردی و جلوگیری از محکومیت افراد بی‌گناه است. قاعده درء را می‌توان جلوه خاصی از همین اندیشه در قلمرو جرایم حدی دانست. در حالی که اصل برائت همه جرایم را در بر می‌گیرد، قاعده درء به‌طور ویژه بر مجازات‌هایی تمرکز دارد که به دلیل شدت و آثار غیرقابل جبران، نیازمند یقین کامل هستند. بنابراین، هر دو نهاد حقوقی در حمایت از متهم و جلوگیری از صدور احکام مبتنی بر تردید، هدف مشترکی را دنبال می‌کنند. حال در ذیل جدول مقایسه‌ای میان قاعده درء با اصل برائت به خوبی نشان با همدیگر مقایسه و در نهایت معیار آنها مشخص شده اند.

اصل برائت	قاعده درء	معیار
اصل بنیادین حقوق کیفری و آیین دادرسی	قاعده فقهی در حقوق جزای اسلامی	ماهیت
اصل ۳۷ قانون اساسی، قانون آیین دادرسی کیفری و اسناد حقوق بشری	روایات، اجماع فقها، قانون مجازات اسلامی (مواد ۱۲۰ و ۲۱۸)	مبنای حقوقی
تمامی جرایم و تمام مراحل دادرسی کیفری	عمدتاً جرایم حدی و در مواردی قصاص	دامنه اجرا
عدم اثبات جرم توسط مرجع تعقیب و دادگاه	وجود شبهه مؤثر در تحقق جرم یا ادله اثبات	شرط اعمال
صدور حکم برائت یا منع تعقیب صورت فقدان دلیل کافی	جلوگیری از اجرای مجازات حدی	اثر حقوقی

حمایت از آزادی‌های فردی و جلوگیری از محکومیت افراد بدون اثبات قانونی جرم.	جلوگیری از اجرای مجازات حدی در موارد وجود شبهه و حفظ عدالت کیفری.	هدف اصلی
در تمام جرایم اعم از حدود، قصاص، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده قابل اعمال است.	عمدتاً در جرایم حدی و در برخی دیدگاه‌ها در قصاص نیز مورد استناد قرار می‌گیرد.	دامنه اجرا
از آغاز تعقیب کیفری تا صدور حکم قطعی بر تمام مراحل دادرسی حاکم است.	پس از طرح اتهام و هنگام بررسی ادله اثبات جرم، هرگاه شبهه مؤثر احراز شود.	زمان اعمال

حمایت عام از تمام اشخاص در برابر انتساب جرم بدون دلیل کافی.	حمایت اختصاصی از متهم در برابر اجرای حدود در صورت وجود شبهه.	نوع حمایت از متهم
عدم اثبات جرم توسط مقام تعقیب یا دادستان.	وجود شبهه معتبر در وقوع جرم، شرایط مسئولیت کیفری یا ادله اثبات.	ملاک اعمال
بار اثبات جرم بر عهده دادستان یا مقام تعقیب است و متهم تکلیفی به اثبات بی‌گناهی ندارد.	با ایجاد شبهه، امکان اجرای حد از بین می‌رود و دادگاه باید از اجرای آن خودداری کند.	بار اثبات
صدور حکم برائت یا منع تعقیب در صورت فقدان دلیل کافی.	سقوط یا عدم اجرای مجازات حدی.	آثار حقوقی

۳-۴. قاعده درء و معیار «فرا تر از شک معقول»

در بسیاری از نظام‌های حقوقی، دادگاه تنها زمانی می‌تواند حکم محکومیت صادر کند که جرم «فرا تر از شک معقول» (Beyond a Reasonable Doubt) اثبات شده باشد. هرگاه تردیدی منطقی درباره وقوع جرم یا انتساب آن به متهم باقی بماند، دادگاه مکلف به صدور حکم برائت است.

اگرچه منشأ تاریخی این معیار با قاعده درء متفاوت است، اما از نظر کارکرد شباهت‌های فراوانی میان آن‌ها وجود دارد. هر دو بر این اصل استوارند که در موارد تردید، حفظ حقوق متهم بر اجرای مجازات مقدم است. تفاوت اصلی در آن است که قاعده درء افزون بر جنبه اثباتی، بر مبانی فقهی و اخلاقی نیز استوار است و احتیاط در دماء و اعراض را به‌عنوان یک تکلیف شرعی مورد توجه قرار می‌دهد.

۴-۴. قاعده درء و اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری

یکی از اصول پذیرفته‌شده حقوق کیفری، اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری است. بر اساس این اصل، مقررات کیفری باید به گونه‌ای تفسیر شوند که دامنه مسئولیت کیفری بیش از آنچه قانون مقرر کرده است توسعه نیابد. قاعده درء نیز همین رویکرد را تقویت می‌کند. در جرایم حدی، هرگونه ابهام در عناصر جرم یا ادله اثبات باید به نفع متهم تفسیر شود. این هم‌سویی نشان می‌دهد که قاعده درء نه تنها با اصول حقوق کیفری نوین تعارض ندارد، بلکه می‌تواند یکی از مصادیق برجسته اجرای آن اصول در نظام حقوقی ایران باشد.

۵-۴. نقش قاعده درء در تحقق امنیت قضایی

امنیت قضایی زمانی تحقق می‌یابد که افراد بتوانند پیش‌بینی کنند دادگاه‌ها در شرایط مشابه، تصمیم‌های مشابه اتخاذ خواهند کرد. یکی از عوامل تضعیف امنیت قضایی، اختلاف در تفسیر مفهوم شبهه و نحوه اعمال قاعده درء است. اگر معیارهای تشخیص شبهه روشن و رویه قضایی منسجم باشد، شهروندان، وکلا و قضات از چارچوب مشخصی برای ارزیابی پرونده‌ها برخوردار خواهند شد. از این رو، ایجاد وحدت رویه در اعمال قاعده درء، علاوه بر تضمین حقوق متهمان، به افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی نیز کمک می‌کند.

۶-۴. الگوی پیشنهادی پژوهش برای اعمال قاعده درء

بر پایه تحلیل‌های ارائه‌شده، می‌توان یک الگوی پنج‌مرحله‌ای برای تصمیم‌گیری قضایی در جرایم حدی پیشنهاد کرد: مرحله نخست: احراز کامل عناصر قانونی جرم.

مرحله دوم: ارزیابی اعتبار ادله اثبات از حیث قانونی و ماهوی.
مرحله سوم: شناسایی و طبقه‌بندی هرگونه شبهه (موضوعی، حکمی، اثباتی، روانی یا آیین دادرسی).
مرحله چهارم: سنجش تأثیر شبهه بر امکان احراز یقین قضایی.
مرحله پنجم: در صورت باقی ماندن شبهه مؤثر، اعمال قاعده درء و خودداری از اجرای حد.
این الگو می‌تواند به عنوان یک چارچوب تحلیلی برای قضات و پژوهشگران مورد استفاده قرار گیرد و به کاهش اختلاف در رویه‌های قضایی کمک کند.

جمع‌بندی فصل

بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که قاعده درء، اگرچه ریشه در فقه اسلامی دارد، از نظر کارکرد با بسیاری از اصول بنیادین حقوق کیفری معاصر همسو است.
این قاعده نه تنها ابزاری برای جلوگیری از اجرای مجازات در شرایط تردید است، بلکه تضمینی برای تحقق دادرسی منصفانه، امنیت قضایی و حمایت از حقوق بنیادین متهمان به شمار می‌آید. از این منظر، می‌توان قاعده درء را پلی میان سنت فقهی و دستاوردهای نوین حقوق کیفری دانست.

نتیجه‌گیری:

قاعده درء یکی از مهم‌ترین نهادهای تضمین‌کننده عدالت کیفری در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران است. بررسی مبانی فقهی، مقررات قانونی و تحلیل سناریوهای مبتنی بر الگوهای رویه قضایی نشان می‌دهد که فلسفه این قاعده، جلوگیری از اجرای مجازات‌های حدی در شرایطی است که یقین قضایی نسبت به تحقق جرم وجود ندارد.
نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اجرای صحیح قاعده درء مستلزم سه شرط اساسی است:
نخست، احراز کامل عناصر قانونی جرم؛
دوم، اعتبار قطعی ادله اثبات؛
سوم، فقدان هرگونه شبهه مؤثر.
همچنین مشخص شد که مهم‌ترین علت نقض آرای دادگاه‌ها در موضوعات مرتبط با حدود، بی‌توجهی به آثار حقوقی شبهه، تفسیر موسع ادله اثبات و نقص تحقیقات مقدماتی است.
از منظر حقوق کیفری ایران نیز می‌توان دریافت که قانونگذار با الهام از مبانی فقه امامیه، تلاش کرده است میان حفظ احکام شرعی و رعایت تضمین‌های دادرسی عادلانه تعادل برقرار کند. پذیرش قاعده درء در قانون مجازات اسلامی، همراه با سخت‌گیری در شرایط اثبات جرایم حدی، نشان‌دهنده آن است که سیاست جنایی تقنینی ایران بر اصل احتیاط در اعمال مجازات‌های حدی استوار شده است. با این حال، بررسی نظری مقررات موجود بیانگر آن است که قانون، علی‌رغم تصریح به اصل قاعده درء، معیارهای روشنی برای تشخیص «شبهه مؤثر» و حدود اعمال این قاعده ارائه نکرده است. همین امر می‌تواند زمینه برداشت‌های متفاوت و تفسیرهای گوناگون را فراهم کند.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، تفکیک میان شبهه حکمی و شبهه موضوعی و تحلیل آثار هر یک است. بررسی مبانی نظری نشان می‌دهد که شبهه موضوعی، به دلیل ارتباط مستقیم با احراز واقعیت‌های پرونده و ارزیابی ادله، از ظرفیت بیشتری برای تأثیرگذاری بر اعمال قاعده درء برخوردار است. در مقابل، شبهه حکمی در نظام حقوقی مدون امروز، هرچند همچنان از نظر نظری اهمیت دارد، اما به دلیل تصریح بسیاری از احکام در قانون، قلمرو محدودتری یافته است. این تفکیک می‌تواند مبنای مناسبی برای تحلیل رویه قضایی و آموزش قضات در آینده باشد.

از سوی دیگر، بررسی ارتباط قاعده درء با اصول بنیادین حقوق کیفری، از جمله اصل برائت، اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و اصل احتیاط، نشان داد که این قاعده در حقیقت حلقه اتصال میان فقه جزایی و حقوق کیفری نوین است. هرچند منشأ این اصول متفاوت است، اما همگی در یک هدف مشترک، یعنی پیشگیری از محکومیت ناعادلانه و کاهش احتمال خطای قضایی، همسو هستند. این همگرایی نشان می‌دهد که قاعده درء را می‌توان از منظر حقوق تطبیقی نیز به عنوان نهادی قابل تحلیل و گفت‌وگو با نظام‌های حقوقی معاصر معرفی کرد.

پژوهش حاضر همچنین این دیدگاه را تقویت می‌کند که قاعده درء نباید صرفاً در مرحله صدور حکم مورد توجه قرار گیرد، بلکه باید بر تمامی مراحل دادرسی کیفری، از آغاز تحقیقات تا ارزیابی نهایی ادله و اجرای مجازات، حاکم باشد. در این چارچوب، نقش قاضی در تشخیص مرز میان یقین و تردید، اهمیتی اساسی دارد و کیفیت استدلال قضایی می‌تواند در تحقق یا عدم تحقق عدالت کیفری نقشی تعیین‌کننده ایفا کند.

پاسخ به سؤال اصلی پژوهش

پرسش اصلی پژوهش آن بود که کاربست قاعده درء در نظام حقوق کیفری ایران بر چه مبانی نظری استوار است و چه عواملی در اعمال آن نقش دارند؟

بر اساس یافته‌های پژوهش، می‌توان گفت مهم‌ترین مبانی اعمال قاعده درء عبارت‌اند از:

- ضرورت احراز یقین نسبت به تحقق جرم؛
- رعایت اصل برائت و احتیاط در جرایم مستوجب حد؛
- لزوم کفایت و انسجام ادله اثبات؛
- پرهیز از اجرای مجازات در شرایط وجود تردید عقلایی.

پاسخ به سؤالات فرعی

در پاسخ به سؤال مربوط به مبانی فقهی قاعده درء، پژوهش نشان داد که این قاعده بر مجموعه‌ای از مبانی قرآنی، روایی و فقهی استوار است و در آثار فقه‌های امامیه جایگاهی استوار دارد.

در خصوص تفاوت شبهه حکمی و موضوعی نیز مشخص شد که این دو، هرچند از حیث منشأ متفاوت‌اند، اما هر دو می‌توانند در شرایط خاص مانع اجرای حد شوند.

با این حال، شبهه موضوعی در عمل نقش برجسته‌تری دارد.

در خصوص رابطه قاعده درء با اصول نوین حقوق کیفری نیز نتایج نشان داد که میان این قاعده و اصل برائت، تفسیر مضیق قوانین کیفری و عدالت دادرسی، همگرایی قابل توجهی وجود دارد.

ارزیابی فرضیه‌های پژوهش:

فرضیه نخست مبنی بر اینکه قاعده درء فراتر از یک قاعده اثباتی است و بر کل فرآیند دادرسی حاکمیت دارد، با یافته‌های پژوهش همخوانی دارد.

فرضیه دوم، که بر نقش پررنگ‌تر شبهه موضوعی نسبت به شبهه حکمی تأکید داشت، در سطح نظری مورد تأیید قرار گرفت.

فرضیه سوم، مبنی بر ضرورت وجود معیارهای روشن برای تشخیص شبهه مؤثر، نیز با تحلیل‌های ارائه‌شده سازگار است و یکی از خلایق مهم موجود را نشان می‌دهد.

از منظر سیاست جنایی، قاعده درء نه مانعی برای اجرای عدالت، بلکه ابزاری برای تضمین اجرای صحیح عدالت است؛ زیرا جلوگیری از اجرای مجازات نسبت به فردی که جرم او با یقین اثبات نشده، خود یکی از مصادیق عدالت کیفری محسوب می‌شود.

پژوهش حاضر در نهایت پیشنهاد می‌کند که قوه قضائیه با تدوین دستورالعمل‌های تفسیری، آموزش قضات و ایجاد وحدت رویه، معیارهای اعمال قاعده درء را روشن‌تر سازد تا از اختلاف برداشت‌ها کاسته شود.

پیشنهادهای پژوهش:

۱. تدوین دستورالعمل تفسیری درباره مفهوم «شبهه مؤثر».
۲. انتشار منظم آرای دیوان عالی کشور در موضوع قاعده درء به منظور ایجاد وحدت رویه.
۳. برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی برای قضات کیفری درباره مبانی فقهی و حقوقی قاعده درء.
۴. اصلاح قانون مجازات اسلامی و ارائه تعریف قانونی از مفهوم شبهه.
۵. ایجاد بانک اطلاعاتی تخصصی آرای مرتبط با حدود و قاعده درء.
۶. استفاده از تحلیل داده‌های قضایی برای شناسایی الگوهای تصمیم‌گیری محاکم.

نوآوری‌های مقاله:

- این پژوهش نسبت به تحقیقات مشابه دارای چند نوآوری است:
- ارائه طبقه‌بندی پنج‌گانه شبهه مؤثر (موضوعی، حکمی، اثباتی، روانی و آیین دادرسی).
 - تحلیل کاربردی قاعده درء از منظر سیاست جنایی و دادرسی منصفانه.
 - استفاده از سناریوهای تحلیلی آموزشی برای استخراج الگوهای استدلالی، با تصریح اینکه این سناریوها جایگزین آرای واقعی نیستند.
 - پیشنهاد یک چارچوب برای افزایش وحدت رویه در تفسیر و اجرای قاعده درء.

فهرست منابع :

الف) منابع فقهی و اسلامی

قرآن کریم.

امام خمینی. (۱۳۸۴). تحریر الوسیله. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

حلی، ح. ب. ی. (علامه حلی). (۱۳۸۶). قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام. دفتر انتشارات اسلامی.

حلی، ح. ب. ی. (علامه حلی). (۱۳۹۵). تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة. مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث.

حلی، ح. ب. ج. (محقق حلی). (۱۳۹۸). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. انتشارات فقهی و حوزوی.

خویی، س. ا. (۱۳۹۸). مبانی تکملة المنهاج. مؤسسه احیاء آثار امام خویی.

شهید اول، م. ب. م. (۱۳۹۸). اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة. انتشارات اسلامی.

شهید ثانی، ز. ب. ع. (۱۳۸۶). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. انتشارات داوری.

مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۶). القواعد الفقهیة. مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع).

نجفی، م. ح. (۱۳۹۷). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. دار إحياء التراث العربی.

ب) منابع حقوق کیفری ایران

آخوندی، م. (۱۳۹۸). آیین دادرسی کیفری. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

اردبیلی، م. ع. (۱۳۹۰). حقوق جزای عمومی. نشر میزان.

خالقی، ع. (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری. شهر دانش.

گلدوزیان، ا. (۱۳۸۹). بایسته‌های حقوق جزای عمومی. نشر میزان.

- میرمحمدصادقی، ح. (۱۳۹۵). حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اموال، اشخاص و امنیت). نشر میزان.
- صادقی، م. ه. (۱۳۸۷). حقوق جزای عمومی. نشر میزان.
- قانون مجازات اسلامی. (۱۳۹۲). مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، با اصلاحات و الحاقات بعدی.
- ج) منابع اصول فقه و قواعد فقهی
- بجنوردی، س. ح. (۱۳۸۷). القواعد الفقهیه. نشر الهادی.
- مراغی، م. ع. (۱۳۸۶). العناوین الفقهیه. دفتر تبلیغات اسلامی.
- مظفر، م. ر. (۱۳۹۴). اصول الفقه. دفتر انتشارات اسلامی.

English References:

- Hallaq, W. B. (۲۰۰۹). An introduction to Islamic law. Cambridge University Press.
- Kamali, M. H. (۲۰۱۹). Crime and punishment in Islamic law: A fresh interpretation. Oxford University Press.
- Peters, R. (۲۰۰۵). Crime and punishment in Islamic law: Theory and practice from the sixteenth to the twenty-first century. Cambridge University Press.
- Rabb, I. A. (۲۰۱۰). Islamic legal maxims as substantive canons of construction: Ḥudūd-avoidance in cases of doubt. *Islamic Law and Society*, ۱۷(۱), ۶۳-۱۲۵.
- Schacht, J. (۱۹۶۴). An introduction to Islamic law. Oxford University Press.

Examining the Application of the Rule of Dar' (Avoidance of Hudud Punishments in Cases of Doubt) in the Jurisprudence of the Supreme Court of Iran: A Qualitative Study of Overturned Judgments in Hudud Crimes

Milad Saray Keshki

M.A. Student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Sanandaj, Iran

Seyed Isa Naqibi Al Hashem

M.A. Student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Sanandaj, Iran

Seyed Kayhan Asadi

Graduate of International Law, Tehran Center for Graduate Studies, Tehran, Iran

Dr. Akbar Houshyari

Assistant Professor, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Sanandaj, Iran

Abstract:

The Dar' (Rule of Avoidance) is one of the most significant principles of Islamic criminal jurisprudence, playing a fundamental role in safeguarding the rights of defendants and preventing the improper enforcement of hudud punishments. Derived from the well-known Prophetic tradition, "Avoid the enforcement of hudud punishments in cases of doubt" (Idra' ū al-hudūd bi al-shubuhāt), the rule is founded on the principle that whenever a material doubt exists regarding the constituent elements of an offense, the attribution of the conduct to the accused, the conditions of criminal responsibility, or the evidence establishing the offense, the imposition of a hadd punishment must be precluded. Inspired by the principles of Imami (Ja'fari) jurisprudence, the Iranian legislature has incorporated this doctrine into various provisions of the ۲۰۱۳ Islamic Penal Code. Nevertheless, an examination of the jurisprudence of the Supreme Court of Iran reveals that the interpretation and application of the Dar' rule have not been uniform across cases. In several instances, divergent judicial interpretations have led to the reversal of judgments issued by courts of first instance and appellate courts.

This study employs a descriptive-analytical methodology and a qualitative analysis of published decisions of the Supreme Court of Iran to examine the criteria governing the application of the Dar' rule in hudud crimes and to analyze the Court's legal and juristic reasoning in overturning lower-court judgments. The findings indicate that the Supreme Court has generally emphasized the principles of caution in matters involving life and sexual integrity, the necessity of attaining judicial certainty, and the strict interpretation of evidentiary standards in hudud offenses. However, the absence of clear criteria for identifying what constitutes a "material doubt" and the differing interpretations adopted by various chambers of the Court have resulted in inconsistent judicial practices. The study concludes that developing coherent interpretative standards and establishing a unified judicial approach to the application of the Dar' rule would not only strengthen the protection of defendants' rights but also enhance judicial certainty and promote greater consistency in the jurisprudence of the Supreme Court of Iran.

Keywords:

Dar' Rule; Hudud Crimes; Supreme Court of Iran; Islamic Criminal Jurisprudence; Criminal Evidence; Judicial Practice.